

قال و حال

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلي فارسی



لوح رقم (115) امر و خلق - جلد 3

۱۱۵ - قال و حال

و نیز در اثری دیگر به امضاء خادم است : و اینکه از حال سؤال فرموده بودید اکثر مدّعیین حال ، الیوم غیر قال بوده و نخواهند بود کلّ امور در قبضه قدرت الهیه مقبوض و محدود هر نفسی که به غیر رضای او حرکت نمود از اهل قال محسوب است اگر چه در بحر حال منغمس باشد و بر لجة صمت و سکون سایر و نفسی که مقبل به حق و مطیع امر اوست از اهل حال در مبدء و مآل مذکور حالی که الیوم نزد حق محبوب است اقرا به وحدانیت و اعتراف به فردانیت او و تقدیس ذاته عن الشبهية و تنزیه نفسه عن المثلية و العمل بما امر به فی کتابه و الاجتناب عن مشتمیات النفسانية و الاشارات الافکیة و التأویلات الظنونية الوهمية بوده الیوم یوم تأویل نیست چه که اریاح تصریح در مرور است ای حبیب من اکثری امر الله را بازیچه دانسته اند و مثل لعب اطفال انگاشته اند از امر او معرض و بنواهی مقبل و معذک خود را مقبول شمرده اند و مابین خلق از حق دانسته اند حق مقدّس است از آنچه گفته اند آذان لاصغاء او امر الله خلق شد لا لظنونات الوهمية المردودة چنانچه مشاهده کرده اید از قبل بعضی از نفوس از شریعة امریه الهیه محروم گشته اند و حکم کتاب را ترک نموده اند و معذک خود از اهل باطن شمرند اشهد انهم ما وجدوا عرف الباطن و لا الظاهر و هاموا فی هیماء الظنون و الاوهام الا انهم من الاخسرین الیوم اهل حال نفوسی هستند که از حلاوت کلمه الهیه مجذوب شده اند بشأنی که من علی الارض آن نفوس را از توجه بوجه قدم منع نمود و بما نزل فی الکتاب موقن و عالم اند این است شأن اهل حال و من غیر این از اهل قال بوده و خواهند بود .



ORIGINAL

و از حضرت عبدالبهاء در خطابی است قوله العزیز : و اما تکمیل نفس در این دور منوط بریاضت و خلوت و عزلت نه بلکه انقطاع و انجذاب و اخلاق رحمانی و تحصیل معارف ربّانی و تحسین اطوار و تزئین قلب به نفحات ربّ الاسرار بوده و خواهد بود آداب و اصول ریاضت که از پیش بود به کلی منسوخ گشت هذا هو الحق و ما بعد الحق الا الضلال

و در سفرنامه اروپا قوله العزیز : سابق بعضی به این ملاحظه بریاضت مشغول میشدند که ترک لذائذ نفسانی نمایند و منع غضب و شهوت بلی چون از ریاضت و قلت اکل و شرب در جسم ضعف حاصل میشود شهوت و غضب کمتر میگردد ولی این نوع سکون غضب و تخفیف در شهوت عارضی است نه ذاتی زیرا که هر گاه باز باکل و شرب پردازد به حالت اولیّه عودت نماید اگر کمال تقدیس انسان از ضعف جسمانی حاصل شود در این صورت باید هر شخص ضعیف تر کاملتر باشد پس مقصود از ریاضت ترک نفس و هوی است با وجود مرزوق بودن به نعماء نه ممنوع شدن از آلاء ، خدا این نعمت ها را برای انسان آفرید و صحت بنیه و جسم را وسیله ظهور قوت روح قرار داده با وجود قوه جسمانی اگر نفس انسانی سالم باشد و در حالت اقتدار عادل این کمال است ورنه : نفس اژدرها است او کی مرده است - از غم بی آلتی افسرده است .